

تأليف: حضرت علامہ مولانا محمد ابراہیم دامنی رحمۃ اللہ علیہ

استعمال و معاملہ مواد مخدر



﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾

خود را به دست خود به هلاکت میندازید

استعمال و معالده مواد مخدر

تألیف: حضرت علامہ مولانا محمد ابراہیم دامنی رحمۃ اللہ علیہ

مقدمه مؤلف

«أحمد الله الذي خلق الانسان و أحسن تقويمه و هداه السبيل و علمه التنزيل و ربا جسمه من طيبات رزقه و قلبه و روحه من كلمات وحيه، و ارسل الرسل لهداية البشر الى صراط مستقيم و تزكية قلوبهم عن الرذائل و صلى الله تعالى على رسله لاسيما سيدنا محمد و على آله العظام و اصحابه الكرام اجمعين و اهلك اعداء هم في كل حين و لا يذر احداً منهم في الارضين».

اما بعد: بنده با چند نفری که متهم به فروش مواد مخدر بودند فرصت صحبت یافتم بخصوص با تعدادی از آنها که از نظر ظاهر؛ مذهبی و پایبند فرائض و حتی تهجد گذار بوده و اکثر روزه نفلی می گرفتند، و انگیزه این کار را از افرادی که ظاهراً نیک بودند جویا شدم، بالاخره پس از چند مرحله گفتگو به این نتیجه رسیدیم که آنها گول کسانی را خورده اند که به آنها گفته اند: بکار بردن مواد مخدر حرام است و گناه، اما فروش آن و استفاده از بهای آن هیچ اشکالی ندارد! با شنیدن این خبر به یاد یهودیهایی افتادم که خداوند متعال به عنوان مجازات، پیه حیوانات حلال گوشت را برای آنها حرام کرد، آنها پیه را ذوب کرده می فروختند و از قیمت آن استفاده می کردند..

تحقیق کردم تا بفهمم این فتوی از طرف کدام مفتی و روحانی منتشر شده است. اما از آنجایی این شایعه از طرف مبلغین شیطان و از طرف کسانی شایع شده بود که کوچک ترین اطلاعی در امور دینی ندارند، دوستان خجالت می کشیدند که اسم کسی را ببرند، اما آخرین توجیه عمل شان این بود که، ما از هیچ یکی از علماء و مفتیان

فهرست کتاب

صفحه	عنوان مطالب
۵.....	مقدمه مؤلف.
۷.....	* بخش اول: (مضرتهای مواد مخدر).....
۷.....	آمار اجمالی مضرتها.....
۱۰.....	حقوق نفس خود.....
۱۲.....	ترک نماز جماعت.....
۱۳.....	ترک نماز و خواندن قضاء.....
۱۴.....	ترک روزه.....
۱۵.....	ترک حج.....
۱۵.....	مخارج زن و بچه.....
۱۷.....	عدم انجام حقوق جنسی همسر.....
۱۸.....	قتل اولاد.....
۱۹.....	بیکاری.....
۱۹.....	مرگ زود رس معتادان.....
۱۹.....	تا آخر.....
۲۰.....	* بخش دوم: (کمک در گناه).....
۲۰.....	واقعه اصحاب سبت.....
۲۳.....	مسئله ذوب پیه.....
۲۴.....	حرمت همکاری در گناه.....
۲۵.....	* بخش سوم: (حرمت معامله مواد مخدر).....
۲۷.....	خاتمه (بر رسولان ابلاغ باشد و بس).....
۲۸.....	پاران شیطان.....

هیچ گونه ممنوعیتی به صورت فتوی یا رساله و غیره ندیده و نشنیده ایم؟!

این امر باعث گردید که بنده تصمیم بگیرم تا در مورد حرمت معامله مواد چیزی بنویسم، ولی به علت کثرت مشاغل زیاد در فکر این مسئله نبودم. ناگهان روزی در روزنامه خواندم که طی یک هفته ۳۰۰ نفر در این رابطه در زاهدان دستگیر شده اند و پس از مدتی خواندم که حتی زنی در این رابطه به مرحله اعدام رسید! این امر مرا تکان داد که شاید هم عدم آگاهی، عذر موجهی برای این گروه باشد و یا شاید هم افرادی باشند که با مطلع شدن از احکام شرعی به طور مشروع و واضح از این راه برگردند و حتی اگر یک نفر هم باشد، ارزش این را دارد که رساله ای در این مورد تدوین و منتشر گردد، و بالله التوفیق.

اگرچه در زاهدان دسترسی کامل به کتب مورد نیاز نداشتم، اما به امید خدا قلم برداشتم و این رساله را آغاز نمودم و این رساله مشتمل بر سه بخش است:

- نتایج و مضرت‌های اعتیاد و مرتکب شدن چندین گناه.

- فروشنده، عامل اصلی و معین در همه گناهان است بنابراین فروش آن گناه کبیره است.

- اثبات گناه و خود حرمت فروش از کتب علاوه بر معاونت آن است

والله الموفق و هو یهدی السبیل.

بلوچستان - ایرانشهر ۱۳۶۵/۵/۱

محمد ابراهیم دامنی

بخش اول :

مضرت‌های اعتیاد

آمار اجمالی مضرت‌ها ❁

- ۱- معتاد، بدن خویش را که مشتمل بر سه نعمت بزرگ الهی (سلامتی، عمر، فراغت) است از بین می برد.
- ۲- معتاد، نماز با جماعت را ترک می کند.
- ۳- معتاد حتی خود نماز را به طور کامل ترک می کند.
- ۴- معتاد علاوه بر آن که نماز را ترک می کند دوباره قضاء آن را نیز نمی خواند
- ۵- معتاد نمی تواند روزه بگیرد.
- ۶- معتاد نمی تواند فریضه حج را اداء کند.
- ۷- معتاد نمی تواند مخارج زندگی زن و بچه اش و افراد تحت تکفل خویش را تامین کند.
- ۸- معتاد نمی تواند حقوق جنسی همسرش را (که یکی از واجبات شرعی است) ادا بکند.
- ۹- معتاد نمی تواند کسب و کاری (که واجب شرعی است) بکند.
- ۱۰- معتاد، از نطفه اش اولاد ناقص الخلقه بوجود می آید و یا زود می میرد و این یک نوع قتل اولاد است.

- ۱۱- معتاد زودتر از مرگ طبیعی می میرد و این یک نوع خودکشی است.
- ۱۲- معتاد از عهده تربیت و تعلیم اولاد که فریضه ای است شرعی بر نمی آید.
- ۱۳- معتاد گاهی مجبور به خود فروشی (فحشاء) می شود.
- ۱۴- معتاد از عهده طلب علم که فریضه ای است شرعی بر نمی آید.
- ۱۵- معتاد ، گاهی به قوادی مبتلا می شود.
- ۱۶- معتادگاهی به گدائی (که بدون ضرورت خود گناهی است بزرگ) مبتلا می شود.
- ۱۷- معتاد گاهی دست به دزدی می زند.
- ۱۸- معتاد دروغ می گوید بخصوص هنگامی که از او پرسشی که تو معتاد هستی؟ بلا فاصله انکار می کند که نه!
- ۱۹- معتاد قسم دروغین (برای کتمان کارش) می خورد معتاد می کوشد دیگران را نیز معتاد کند تا احساس خجالتی نکند و عموماً افراد، اولاً به صورت تعارف یک پک می زنند و کم کم معتاد می شوند.
- ۲۰- معتاد اسراف می کند (مال خودش را در مورد خلاف شرع خرج می کند).
- ۲۱- معتاد بار مخارج خود و عائله خویش را به عهده دیگران می اندازد.
- ۲۲- معتاد اگر زندانی شد، پول هنگفتی را از بیت المال به خود اختصاص می دهد.
- ۲۳- معتاد از کلیه کارهای خیر و خوب مالی و جسمی محروم می ماند.

- ۲۴- معتاد بوی بد و هوای مسموم ایجاد نموده به دیگران ضرر می رساند.
- ۲۵- جامعه ای که در آن معتاد باشد زودتر به بردگی و استثمار کشیده می شود.
- ۲۶- معتاد از عهده جهاد حتی به صورت دفاعی هم (که یکی از واجبات شرعی است) بر نمی آید.
- ۲۷- معتاد گاهی مجبور می شود که فرزندان را مثل برده به فروشد.
- ۲۸- معتاد یا از رحمت خدا کلاً مایوس می شود و یا برعکس به گناه جسورتر می شود و این دو از درجات کفر است، و بالاخره با کفر از این جهان رخت بر می بندد.

تفصیل آمار مضرتها

حقوق نفس خود:

آمار فوق نموداری است روشن که با تصور کلمه معتاد همه این مضرتها در ذهن انسان خطور می کند، و اگر کسی بخواهد دقت بکند و دنبال جزئیات آن برود ممکن است آمار آن به صدها فقره برسد. در اینجا ما آمار گذشته را با کمی شرح و تفصیل بیشتر بیان می کنیم:

اولین ضرر اعتیاد، از بین رفتن سلامتی بدن بود، این امر مسلمی است که جان بشر، ملک شخصی خود بشر نیست که آن را هرطور که دلش می خواهد بکار بندد بلکه شرعاً و عقلاً بشر مکلف است که از این عاریت خداوندی طبق اوامر مالک اصلی آن استفاده نکند. بنابراین، ما چند آیه و حدیث را در مورد وجوب حفظ جان (که مجموعاً عمر، سلامتی و ایمنی یا فراغت است) ذکر می کنیم:

﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾^(۱)

و خودتان را با دست خود به هلاکت نیندازید.

تفاوتی ندارد که این هلاکت، اخروی به صورت رفتن در جهنم باشد، یا در دنیا به صورت مرگ، بیماری یا فقدان امنیت و فراغت باشد، در هر صورت حفظ جان واجب و از بین بردن آن حرام است.

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾^(۲) (و خودتان را نکشید)

(۱) - سوره بقره آیه ۱۹۵

(۲) - سوره نساء آیه ۲۹

این قتل، عام است چه به صورت خودکشی معروف و مصطلح باشد و چه به صورت خودکشی تدریجی از قبیل اعتیاد و غیره که حرام است و گناه کبیره

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ﴾^(۱)

همانا خداوند از مومنین جان و مال شان را خریده است.

یعنی هر انسان مکلف است که از جان و مالش طبق اوامر خدا استفاده نکند. اما این تکلیف برای مومنین دو برابر است زیرا آنها با اسلام، و ایمان آوردن معامله ای با خدا انجام داده اند که در این معامله "بایع" بشر مومن و "بیع" (کالا) جان و مال وی و ثمن (بها) بهشت با نعمتها و مشتری خداوند متعال است. بنابراین جان و مال بشر از اول عاریتی بود از طرف خدا بدست بشر و ثانیاً بشر با ایمان خود همین عاریت را در مقابل بهشت فروخته است، لذا او به میل خود اصلاً حق تصرف در جان و مال خود را ندارد.

و از رسول گرامی صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

﴿وإن لنفسك عليك حقاً﴾ جان تو نیز بر تو حقی دارد.

﴿قیل: ای الناس افضل؟ فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: مؤمن یجاهد فی سبیل

الله بنفسه وماله﴾.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد بهترین مردمان چه کسی است؟ فرمودند: کسی که با جان و مال خودش در راه خدا جهاد بکند).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

﴿ألمومن القوى خیر من المومن الضعیف﴾.

مومن نیرومند از مومن ناتوان برتر و بهتر است.

(۱) - سوره توبه آیه ۱۱۱

در احادیث زیادی از پیامبر نقل شده است که آن حضرت از غذاهای مسموم کننده یا مضر منع فرموده است و همچنان برای حفظ سلامتی بدن به ورزشهای سالم از قبیل دویدن (حتی بدون کفش) تیر اندازی، پرتاب نیزه و اسب دوانی امر فرموده اند، و حتی در احادیث آمده است که خود پیامبر اکرم ﷺ دو بار با همسر محبوبش عایشه صدیقه رضی الله عنها مسابقه دو داشته است که بار اول عایشه رضی الله عنها برنده و بار دوم پیامبر اکرم ﷺ برنده شده اند.

ترک نماز جماعت:

فضایل نماز جماعت در وقت صحیح (از قبیل مساوی بودن با مزد ۲۷ نماز انفرادی، کفاره گناهان و...) بی نهایت زیاد است و آنها را می توان در کتب مربوط به نماز جست. من در اینجا فقط به بیان سزای ترک نماز می پردازم. در احادیث وارد شده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: اگر مراعات زنان و کودکان در نظر نمی بود من دستور می دادم مقداری زیاد هیزم جمع کنند و سپس یکی را مامور اقامه نماز می کردم و خودم می رفتم در محله و هرکسی را که بسوی نماز با جماعت در مسجد نرفته باشد (اگرچه در خانه نماز خودش را خوانده باشد) با منزلش آتش بزنم!

یعنی، تارکین جماعت در همین جهان استحقاق سوزاندن در آتش را دارند. حالا اگرچه پیامبر اکرم ﷺ به علت مراعات زنان و کودکان از اجرای چنین عملی منصرف شد و آنها از آتش صوری و ظاهری محفوظ ماندند، اما اگر دقت بکنید خانواده ای که تارک جماعت باشد آتش معنوی یعنی فلاکت و بدبختی در آن خانواده حتماً موجود می باشد.

ترک نماز و نخواندن قضا:

پیامبر ﷺ فرمود: مجازات تاخیر نماز از وقت اصلی و اگر چه بعداً قضای آن را هم بخواند، اما از این گناه توبه نکند) ماندن به مدت یک "حقب" در جهنم و "حقب" هفتاد سال از سالهای قیامت است که هر روز آن مساوی با یک هزار سال دنیا است. حالا اندازه کن برای کسی که اصلاً نماز نخوانده باشد!

۱- تارک نماز در قیامت با قارون، فرعون، هامان و ابی بن خلف (در جهنم) خواهد بود.

۲- پیامبر ﷺ فرمود کسی که نماز ندارد، دین ندارد؛ و نماز نسبت به بقیه احکام دین شبیه سراسر با بدن (یعنی با نبودن نماز کلیه اعمال نیک، بی سر، بی جان اند).^(۱)

۳- کلید بهشت نماز است، یعنی بدون آن بهشت باز نخواهد شد. تعهد ما با مردم نماز است، یعنی تعهد نچنگیدن ما با آنها و مسلمان پنداشتن آنها موقوف به نماز خواندن شان است) و اگر آنها نماز را ترک کنند ما با آنها مانند کفار رفتار خواهیم کرد (یعنی جهاد خواهیم کرد).^(۲)

و خود قرآن نیز نماز را مترادف ایمان تلقی کرده است آنجا که می گوید:

﴿ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ ﴾^(۳)

و خداوند ایمان شما (نماز شما) را ضایع نخواهد کرد.

رسول اکرم ﷺ فرموده است:

(۱) - طبرانی اوسط صغیر به نقل حیات المسلمین.

(۲) - احمد، ترمذی، نسائی، ابن ماجه، نقل از "حیات المسلمین.

(۳) - سوره بقره آیه ۱۴۳.

* - «الصلوة عماد الدين فمن اقامها اقام الدين و من هدمها هدم

الدين»

پیامبر اکرم ﷺ نماز ستون دین است پس هرکسی آن را قائم داشت، دین را نگهداشته است و هرکسی آن را منهدم کرد، گویا کل دین را منهدم کرده است.

ترک روزه :

پیامبر اکرم ﷺ فرمود علاوه بر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» یعنی (مسائل اعتقادی) خداوند متعال در اسلام چهارچیز دیگر فرض کرده است که اگر یکی از آنها ترک گردد، سه تای دیگرش کارآمد نیست: نماز، زکات، روزه، حج. (۱)

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: اگر کسی در عوض یک روزه رمضان تمام سال روزه بگیرد با آن مساوی نخواهد شد. توجه بکنید که تاخیر روزه این خسارت بزرگ را در بردارد که اگر در جبران یک روزه، یک سال هم روزه بگیرد ناتمام است، پس وای بر آن که روزه بخورد و اصلاً قضا نگیرد!

(۱) - احمد - به نقل از حیات المسلمین.

ترک حج :

خداوند متعال می فرماید :

«* * * وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (۱)

و حج این خانه ، واجب الهی است بر کسانی که توانایی برای رفتن بدانجا را دارند. و آن کس که کفر ورزید (حج نکرد) پس خدا که از عبادت کل جهانیان بی نیاز است.

حدیثی هم در باب ترک روزه گذشت که از فرضهای چهارگانه یکی اگر ترک گردد، سه تای دیگرش کار آمد نخواهد بود.

و رسول اکرم ﷺ فرمودند :

* * - «من مات ولم يحج فليمت ان شاء يهودياً او نصرانياً» (۲)

هرکس بدون ادای حج مرد، او اختیار دارد که یهودی شده بمیرد یا نصرانی شده بمیرد.

مخارج زن و بچه :

خداوند متعال می فرماید :

«* * * وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (۳)

به عهده صاحب فرزند (پدر) واجب است که خوراک و لباس (کلیه مخارج) آنها (زنان) را به خوبی پرداخت کند.

(۱) - سوره مبارکه آل عمران آیه ۹۷.

(۲) - هامش بخاری جلد (۱).

(۳) - سوره بقره آیه ۲۳۳

﴿أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ﴾ (۱)

(آنها زنان را مسکنی در حد توان خود بدهید).

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ

اللَّهِ﴾ (۲)

(سرمایه دار به حد سرمایه خودش نفقه بپردازد. آن که در آمدش محدود است به همان مقداری که خدا به وی ارزانی فرموده است حتماً نفقه بپردازد). یعنی نفقه به هیچ عنوان قابل ساقط شدن نیست.

در فقه قانونی است که "الامر للوجوب" یعنی حکمی که با واژه امر بیان گردد، به معنی وجوب است و مسلماً ترک واجب حرام است. و آیه های فوق وجوب نفقه و سکناى زن مطلقه را با این اهمیت بیان می کنند. مسلماً زنی که هنوز حاضر به خدمت است و طلاق نگرفته مخارج وی و فرزندانش به طریق اولی واجب است.

و حتی در این مورد فقهاء نوشته اند: زن می تواند در صورت انکار مرد از دادن نفقه و مخارج، تقاضای طلاق بکند.

﴿وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ﴾ (۳)

(و از تو ای پیامبر ﷺ سوال می کنند که چه (قدر) انفاق کنند بگو مازاد را).

یعنی چیزی که از نفقات واجبه باقی بماند باید آن را در صدقات

داد.

(۱) - سوره طلاق آیه ۶.

(۲) - سوره طلاق آیه ۷.

(۳) - سوره بقره آیه ۲۱۹.

﴿یا رسول الله ﷺ اوصی بهالی کله؟ قل، لا قلت: فالشطر؟ قال، لا

قلت: فالثلث؟ قال: الثلث و الثلث كثير. انک ان تدع ورثتک أغنیاء خیر من ان تدعهم عالة يتكفون الناس فی ایدیهم و انک مهما انفقت من نفقة فانها صدقة حتی اللقمة التي ترفعها الی فی امراتک....﴾ (۱)

عمرو بن عاص بیمار بود و دراین مدت از وارثانش فقط یک دختری داشت، پیامبر ﷺ به عیادت ایشان تشریف آوردند و این صحبت بین شان رد و بدل شد. عمرو می گوید: گفتم: یارسول خدا ﷺ من کلیه اموالم را (در امور خیریه وصیت

بکنم؟ فرمود نه گفتم: پس نصف آن را؟ فرمود: نه گفتم: پس یک سوم آن را؟ فرمود: آری یک سوم، و یک سوم هم زیاد است! زیرا، اگر تو وارثانت را بی نیاز بگذاری بهتر است از این که آنها گدا باشند و دست به گدایی را به سوی مردم دراز بکنند و همانا هرانفاقی (که در مخارج زن و بچه ات می کنی، صدقه شمرده می شود، حتی آن لقمه ای که به دهان زنت بدهی.

توجه بفرمایید: در صورت نیاز زن و بچه، صدقه و وصیت در امور خیریه ممنوع و مردود است. پس برای یک مسئول خانواده چه گونه جائز خواهد بود که مقدار کمی پول که به دستش می آید صرف اعتیادش بکند و زن و بچه اش را در بدبختی و فقر بگذارد؟!

عدم انجام حقوق جنسی همسر:

و ان لزوجک علیک حقاً (همسرت نیز بر تو حقی دارد) این جمله را پیامبر اکرم ﷺ خطاب به شوهری فرمود که زنش شکایت کرده بود که شوهرم شب ها به عبادت نافله مشغول است و روزها همیشه روزه

(۱) بخاری جلد ۱ صفحه ۳۸۳.

است. یعنی من از حق جنسی خودم محروم هستم. این بود که پیامبر ﷺ شوهرش را احضار نموده به او تذکر داد که تو نباید به نام عبادت هم که شده حق جنسی زنت را از بین ببری، بلکه یک مقداری عبادت کن، و یک مقداری بخواب که حق جسم خودت است و یک مقداری هم با زن خودت مشغول باش که او هم برعهده تو حقی دارد. پس برای معتاد چه گونه جوائز خواهد بود که شبش را با دوستان ناباب و معتاد بگذرانند؟!

قتل اولاد :

*** ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾^(۱)

(جانی را که خدا از بین بردنش را حرام کرده نباید از بین ببرید).

این بین بردن عام است، چه بعد از تولد باشد و چه پیش از تولد و چه مستقیم و تدریجی باشد از راه اعتیاد و غیره، و حتی اگر برای تنظیم خانواده توسط آمپول و قرص به صورت سقط جنین انجام بگیرد، همه این بیچه ها مقتول و یا مفلوج اند، که قاتلین و ضاربین آنها مسئول اند، و پیش خدا باید جواب پس بدهند.

*** ﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾^(۲)

و آن هنگامی که از زنده به گور شده سوال شود که به چه گناهی کشته شده است.

(۱) - سوره انعام آیه ۱۵۱

(۲) - سوره تکویر آیه ۸۸

بیکاری :

*** «كسب الحلال فریضة بعدالفرائض» (پس از انجام فرائض عبادی، کسب و تلاش روزی حلال برای رفع نیاز خود و افراد تحت تکفل نیز فرض است.

یعنی به صورت تعارض، فقط هنگام عبادات می توان کسب و کار را ترک نمود، اما بعد از فراغت دست بر دست گذاشته و بی کار نشستن حرام است.

مرگ زود رس معتاد :

*** ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾^(۱) مرگ غیر طبیعی معتاد یعنی قبل از

وقت عادی، امر خیلی روشنی است که نیاز به اثبات ندارد و فراهم نمودن اسباب مرگ چه به صورت خفه کردن خویش باشد یا سم یا مواد مخدر خوردن، خودکشی بشمار می رود، و در حرمت خودکشی نیز ابهامی نیست که اثبات گردد.

تا آخر:

بقیه کلیه موارد، مواردی هستند که نه وجودشان در معتادین قابل انکار است و نه حرمت این همه گناه مخفی است. البته ممکن است در مورد فقره اخیر یعنی فروش اولاد، به ویژه دختران از طرف معتادین کسی تعجب کند، اما من خودم چندین نفر را سراغ دارم که دخترانشان را به اهالی سند (پاکستان) فروخته اند، اما چون ذکر اسامی و مشخصاتشان غیبت خواهد بود بنابراین از ذکر آن خود داری می شود.

(۱) - سوره نساء آیه ۲۹

بخش دوم :

کمک در گناه

روشن است که مواد فروش اگر مواد را وارد نکند و در دسترس معتادان قرار ندهد چگونه ممکن است که کسی معتاد گردد؟ بنابراین ثابت شد که عامل اصلی اعتیاد، فروشندگان و واردکنندگان مواد مخدراند و در کلیه گناهایی که برای معتاد در بخش اول بیان شد سهیم و شریک خواهند بود، آیا فروشندگان فقط با این توجیه می توانند خودشان را تبرئه بکنند که ما خودمان که معتاد نیستیم، و ما آن را می فروشیم؟! من اینجا لازم می بینم بعضی از واقعات توجیه گران امت های پیشین را ذکر کنم تا مسئله مقداری روشن تر گردد:

واقعه اصحاب سبت:

در قرآن داستانی از توجیه گران بنی اسرائیل به نام داستان "اصحاب السبت" در چندین جا ذکر شده و نه تنها عمل آنها محکوم شده بلکه بیان شده که آنها در اثر انجام گناه با تغییر نام و با اندک تغییر در عمل، با چندین عذاب گرفتار شده اند گرفته اند که ما آن را از آیه های ۱۶۳ تا ۱۶۷ سوره اعراف نقل می کنیم که به شرح زیر است :

عده ای از بنی اسرائیل در بندر سکونت داشتند و شغل شان ماهی گیری بود. در دین حضرت موسی علیه السلام روز شنبه (سبت) مثل روز جمعه مسلمانان، روزی بود مخصوص برای عبادت، اما با این فرق که برای این ها در روز شنبه از صبح تا غروب هر نوع کسب و کار (از

جمله ماهی گیری) حرام و ممنوع بود. بنی اسرائیل تا مدتی به این حکم عمل می کردند، خداوند متعال خواست آنها را امتحان کند که ترک کسب شان بنابه تبعیت از حکم من است یا دسترسی به ماهی ندارند که ماهی گیری نمی کنند. با الهام خداوند ی ماهی ها روز شنبه بیشتر روی آب، به ساحل و به مناطق شکارشان می آمدند، اما در روزهای دیگر می رفتند به عمق دریا و اصلاً در دسترس نبودند، افراد دیندار می فهمیدند که این امتحانی است، با کمال صبر و استقامت این را تحمل می کردند، اما افراد سودجو، دنیا پرست، مادی گرا و حریص در صدد راه حلی افتادند و بالاخره در اثر راهنمایی و وسوسه های شیطان تصمیم گرفتند که کنار ساحل استخرهای خیلی بزرگ درست بکنند و روز شنبه که شکار ممنوع بود و ماهی ها بیشتر به ساحل می آمدند، دهانه استخر ها را باز می گذاشتند تا با بالا آمدن دریا، ماهی ها به استخر منتقل شوند و بعد از پایین رفتن آب دریا، ماهی ها دیگر نمی توانستند به دریا برگردند، و آنها روز یکشنبه ماهی ها را شکار می کردند و به این صورت عمل خود را توجیه می کردند که ما فقط گودالی و استخری کنار ساحل دریا درست کرده ایم حالا که ماهی ها خودشان توی استخرها گیر می افتند و نمی توانند برگردند تقصیر ما چیست؟!

وما نه روز شنبه شکار می کنیم و نه ماهی ها را ما می آوریم بلکه خودشان می آیند، و بالاخره اهالی منطقه به سه دسته شدند: یکی دسته مجرمین بود که با توجیه کردارشان مرتکب جرم بودند، و یک دسته بی تفاوت، و دسته سوم مبلغین حق بودند که شبانه روز می کوشیدند تا هر طور شده مجرمین را از ارتکاب جرم باز دارند، تا مدتی همین و ضیعت ادامه داشت و بعد دسته دوم از بی تفاوتی در آمدند اما نه به نفع حق، بلکه برعکس به مبلغین حق می گفتند: آقا بگذارید، شما چرا این

قدر ناراحت هستید؟ هرکسی مسئول عمل خودش هست، و به اصطلاح معروف زمان ما عیسی به دین خود موسی به دین خود، اینجا بود که قهر خدا بجوشید و دسته اول و دوم را فراگرفت و صورتهای شان مسخ شده به شکل میمون در آمدند، و پس از سه روز رسوائی و ذلت همگی مردند. این بود انجام کسانی که با توجیه کردارشان مرتکب جرم می شدند. و ببینید که بی تفاوتی چقدر نزد خدا جرم عظیم است که انسان بی تفاوت مانند مجرم اصلی مورد غضب قرار می گیرد. اما با این حال تجار مواد مخدر می گویند. ما که بکار نمی بریم، فقط می فروشیم. این جا لازم است که کلیه عذابیایی را که قرآن برای این نوع توجیه گران در آیه بیان می کند ذکر کنم: در این آیات سوره اعراف پس از نقل داستان "اصحاب سبت" و این که آنها به قیافه میمون مسخ شدند، چند عذاب عمومی دیگر را برای توجیه گران در آیه با کلمه «تَأْذَنَ رِبْكَ» و به صورت اذان یعنی آگهی و اعلامیه و با جمله «الْیَوْمَ الْقِیَمَةِ» و برای همیشه بیان می کند و دال بر این است که این عذابها مربوط به میمون شدگان نیست بلکه تهدیدی است برای آیندگان و آن عذابیهای همیشگی عبارتند از:

تسلط حکام ظالم و خونخوار بر جامعه توجیه گر یعنی: به بردگی و استثمار درآمدن جامعه:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^(۱)

ایجاد تفرقه و اختلاف در جامعه توجیه گر:

(۱) سوره مبارکه الاعراف آیه ۱۶۷.

﴿وَقَطَعْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَثَمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾^(۱)

حریص شدن به گناه و فاسد شدن نسل آنها:

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَذَى وَيَقُولُونَ سَعَفَرْنَا لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأَخْرَىٰ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾^(۲)

و این عذابیایی هستند کاملاً روشن و واضح، که لزوم به اثبات ندارند.

مسئله ذوب پیه:

از آیه ۱۴۶ سوره انعام و همچنان از احادیث صحیحه ثابت است که خداوند متعال پیه حیوانات حلال گوشت را برای بنی اسرائیل حرام کرده (که نخورند) اما در احادیث است که آنها پیه را ذوب کرده می فروختند و قیمت آن را می خوردند این گروه نیز مورد لعن و نفرین خدا قرار گرفته است، و این مسئله و توجیه کاملاً با توجیه فروشندگان مواد مخدر، مطابقت و توافق دارد که می گویند: ما که معتاد نیستیم، ما فقط مواد را می فروشیم و پول در می آوریم و پول حرام نیست.

وحتی از آیه های ۷۸ و ۷۹ سوره مائده برمی آید که عده زیادی از بنی اسرائیل به علت نهی نکردن دیگران از کارهای زشت، مورد لعن و عذاب خدا قرار گرفته اند، چه رسد به این که خودشان عامل اشاعه گناه بشوند.

(۱) - سوره مبارکه الاعراف آیه ۱۶۸

(۲) - سوره مبارکه الاعراف آیه ۱۶۹

حرمت همکاری در گناه :

﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^(۱)

(و به کارهای گناه و تعدی همکاری نکنید ، و از خدا بترسید که همانا خدا سخت عذاب کننده است)

﴿الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيخَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا هُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^(۲)

همانا کسانی که فقط قلباً دوست دارند که گناه درمومنین شایع گردد (اگر چه عملاً هیچ کاری برای اشاعه آن انجام نمی دهند) برای آنها عذاب دردناک است در دنیا (به صورت حدود شرعی) و در آخرت.

توجه بفرمائید: این آیه به صراحت می گوید که فرد فقط به جرم راضی بودن به گناه در دنیا باید کیفر ببیند و در آخرت عذاب، پس وای به حال کسی که عامل اصلی و رکن مهم اشاعه جرم باشد.

(۱) - سوره مبارکه مائده آیه ۲

(۲) - سوره مبارکه نور آیه ۱۹

بخش سوم :

✽ حرمت معامله مواد مخدر ✽

علاوه براین که فروشنده مواد، عامل اصلی اشاعه اعتیاد و کلیه گناهایی است که در دو بخش گذشته بیان شد. بنابراین ، اولاً خود معامله "بیع" را تعریف کنیم که چیست ؟

تا ثابت گردد که معامله مخدرات نیز جزء بیوع به شمار می رود یا خیر ؟

"بیع" در لغت مبادله کالائی به کالای دیگر است و شرعاً مبادله شی مرغوب فیه (وهوالمال) و شرعاً بیع، مبادله کالای مرغوب یعنی مالی است که شرعاً قیمت (و ارزش) داشته باشد. «محلّه المال المتقوم» (محل انعقاد بیع شرعاً مالی است که قیمت دارد). حکمه، ثبوت الملک (اثر و نتیجه بیع ثبوت ملک است). «حکمته، نظام بقاء المعاش والعالم» (فلسفه بیع بقاء نظام جهان و معیشت جهانیان است).

حالا ببینیم که آیا مواد مخدر مال متقوم است؟ مسلماً خیر، پس فروش آن "بیع" نیست و "بایع" ، مالک پول نخواهد بود. چون اثر "بیع" ، ثبوت ملک است و اینجا بیعی انجام نگرفته است و از نظر فلسفه ای که اسلام در بیع در نظر گرفته است ، یعنی نظم جهان و معیشت جهانیان ، آیا مواد مخدر کلاً عکس آن نیست ؟

حالا به توضیح بیشتر توجه بفرمائید :

«ما اورث خللاً فی رکن البیع وهو الايجاب والقبول.. او فی محله اعنی المبیع فان الخلل فیہ ، مبطل بان کان المبیع میتة او دماً او حرّاً او خمرّاً...»

(آنچه در رکن بیع یعنی ایجاب و قبول خلل ایجاد کند، یا در محل بیع یعنی مبیع (کالا) خلل ایجاد کند (مبطل بیع است) زیرا خود خلل در مبیع (کالا) موجب بطلان بیع است. به طور مثال: مبیع، مرداری باشد یا خون یا آزاده ای یا شراب (که هیچ کدام شان مالی به شمار نمی آید).

«وبطل بیع مال غیر متقوم کخمر و خنزیر فان المتقوم هو المال المباح الانتفاع به شرعاً.»

(معامله مال غیر متقوم از قبیل شراب و خوک باطل است، زیرا مال متقوم آن است که شرعاً استفاده از آن مباح و جایز باشد).

«و یجب علی کل واحد منها فسخه... لانه معصية فیجب رفعها»

(و بر هر یکی از بایع و مشتری واجب است که این نوع معامله را به هم بزنند، زیرا انعقاد آن گناه است، و سد گناه واجب.

ممکن است کسی توجیه بکند که ما برای مداوا این مواد را لازم داریم، باید در این صورت خرید و فروش مجاز باشد.

در این مورد می فرماید: «ان المحرم شرعاً لا یجوز الانتفاع به للتداوی.»

(زیرا چیزی که حرام شرعی باشد استفاده از آن به صورت مداوا

نیز جایز نیست).

کلیه عبارات فوق مندرج در بخش سوم از حاشیه ابن عابدین یعنی

شامی جلد چهارم نقل شده است که معتبرترین کتاب فقهی اهل سنت حنفی و مورد استناد کلیه فقها مفتیان و قضات شرعی است.

✽ خاتمه ✽

بررسولان بلاغ باشند و بس:

از نظر شرعی مسئله کاملاً روشن گردید. بنابر این کسی نمی تواند به این بهانه پوچ تمسک بجوید که ما از حکم شرعی خبر نداشتیم یا کسی در این مورد چیزی ننوشته است. حالا فقط یک ایمان راسخ و گام مصمم و قاطع برای عمل بر احکام قرآن و حدیث مورد لزوم است. در آخر از برادران مسلمانم عاجزانه و ناصحانه خواهشمندم که بس است، حالا دیگر دست بردارید، از این بیشتر برادران خود را نباید از بین ببرید و به خاطر سود بی سود و زود گذر، جان خود و جامعه ای را به هلاکت نیندازید. والسلام.

اللهم الهد قومی انهم لا یعلمون

غروب چهارشنبه ۲۲ شوال ۱۴۰۳

مطابق ۱۳۶۲/۵/۱۲

محمد ابراهیم دامنی

یاران شیطان

روانم رفت روزی درتخیل
 در آن بستان سبز و شاد و خرم که
 در تصمیم قاطع بود و شادان
 بگفتم: شادیت از چیست امروز؟
 که تا او هست اندر راحت من
 چنین صیدی کجا دردم افتد؟!
 بگفتم: کیست یارت دیو ملعون
 برد هر ثانیه یک آدمیزاد
 که نگذارد برایش دین و ایمان
 زمال و جان وهم، از زال و فرزند
 بسی خندید و بر من کرد ریشخند
 چه کالا می فروشند؟ گفتمش من
 به گفت آن مایه صدها گناه است
 بدارد شیر و تریاک و افیون
 بگفتم، «دامنی» بر تو و یارت

کند سیری به یک بستان پرگل
 چشمم افتاد بر مردی مصمم
 بگفتم کیستی؟ بگفتا که شیطان
 بگفتا: صید کردم یار دلسوز
 همیشه از مشاغل بی غم من
 چنین لقمه کجا در کام افتد؟
 به جای تو زند هر دم شیخون
 که تا او را کند ویران و برباد
 نه فکر کسب و کارونی غم نان
 نه فکر قومی و خویشی نه پیوند
 که یارانم همیشه می فروشند
 به ظاهر پولشان گشته چو خرمن
 که شیطان زو از این رو در رفاه است
 رئیس آن هر وئین است، ملعون
 کند نفرین و لعنت صد هزارت

تربیت و اصلاح فرزندان

تالیف:

مولانا محمد قاسم قاسمی

اصول و مبادی

فہم قرآن

تالیف:

علامہ سید ابوالحسن علی الحسنی الندوی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ:

مولانا محمد قاسم قاسمی

نبی رحمت

تالیف:

علامہ سید ابوالحسن علی الحسنی الندوی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ:

مولانا محمد قاسم قاسمی

تاریخہ دعوت اسلامی و ادوار آن در ہند

تالیف:

علامہ سید ابوالحسن علی الحسنی الندوی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ:

مولانا محمد قاسم قاسمی



مرکزپنخس: زاهدان - مجمع فرسنگی ملی - انشارات علامه ندوی، تلفن تماس: ۲۴۲۶۷۸۵ (۰۵۴۱)